

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: الکسی چیچکین (ALEXEY CHICHKIN)

برگردان: ا. م. شیری

۰۹ جولای ۲۰۲۴

## اسرائیل نقش هاب انرژی را امتحان می‌کند



[یکی را به ده راه نمی‌دادند، سراغ خانه کدخدا را می‌گرفت. اسرائیل بدون حمایت پدرخوانده‌های غربی‌اش- شوهران مادرش نمی‌تواند به بقای خود در خاورمیانه ادامه دهد، مضحک است فکر تبدیل شدن به هاب انرژی را در سر می‌پروراند. مثل این که نمی‌فهمد دنیا به کدام سو می‌رود و حمایت «شوگر ددی‌هایش» محدود است. به هر حال، این هم یکی از دلایل هجوم لشکر جهود به غزه تحت پوشش دروغین «بهار عربی»، آه، ببخشید! «طوفان الاقصی» در هفت اکتوبر ۲۰۲۳]- شیری

\*\*\*\*\*

رژیم نتانیاهاو با پاکسازی غزه و جنگ برنامه‌ریزی شده علیه لبنان، به دنبال «جایگزینی» کانال سوئز و نه فقط آن است...

از قرار معلوم تل ابیب با بهره‌برداری از تشنج دائمی نظامی-سیاسی در مسیر ستراتیژیک کانال سوئز – بحیره سرخ – تنگه باب‌المندب – اقیانوس هند، سعی می‌کند «مسیر» حمل و نقل کالاها (به ویژه نفت) را به خاک اسرائیل تغییر دهد. این امر به واسطه برخی شرایط، به ویژه کاهش جدی سهم مسیر «سوئز» در حمل و نقل جهانی نفت و فرآورده‌های نفتی، که در مدت چندین دهه تا همین اواخر از ۲۵٪ فراتر رفت، تسهیل می‌شود.

قابل ذکر است که از ابتدای خرداد ماه-جوزا- سال جاری دفتر بی‌بی نتانیاهاوی خشمگین برای کاهش محدودیت‌های زیست‌محیطی در مورد تخلیه و انتقال نفت در ایلات، مجتمع بندری نفتی کلیدی در چهارراه کشتیرانی بین بحیره سرخ

و مدیترانه واقع در جنوب اسرائیل فشار می‌آورد. لازم به یادآوری است که از اوایل دهه ۱۹۷۰، ایلات توسط یک خط لوله ۲۶۰ کیلومتری به بندر اشکلون در بحیره مدیترانه اسرائیل متصل شده است. محدودیت‌های اعمال شده توسط وزارت حفاظت از محیط زیست در سال ۲۰۲۱ به دلیل تشدید تنش‌های نظامی-سیاسی در بحیره سرخ در پائیز ۲۰۲۳ کاهش یافت.

در عین حال، شرکت دولتی خط لوله اروپا- آسیا که خط لوله ایلات-اشکلون را اداره می‌کند، به دنبال افزایش حجم انتقال نفت از طریق بندر جنوبی بحیره سرخ اسرائیل است. برای این منظور، مدیریت خط لوله ایلات-اشکلون برنامه دارد «به منظور تقویت امنیت انرژی در متن تشدید درگیری‌های منطقه‌ئی، تعداد نفتکش‌های پهلو گرفته در این بندر را با حمایت دولت نتانیاها افزایش دهد».

اما طرح‌های خط لوله اروپا- آسیا که توسط مقامات حمایت می‌شود، همچنان با مقاومت مقامات محیط زیست و فعالان محیط زیست محلی مواجه است. زیرا، به خوبی معلوم است که بندر نفتی در ایلات در مجاورت استراحتگاه‌ها و سواحل بحر واقع است و خود خط لوله نفت در یک منطقه شکننده به لحاظ زیست‌محیطی احداث شده است، اما هنوز به خوبی کار می‌کند.

مقاومت اسلامی عراق در اوایل ماه مه «در حمایت از مردم غزه و در واکنش به کشتار غیرنظامیان فلسطینی، از جمله کودکان، زنان و سالمندان» از انجام حملات پهبادی به ایلات و اشکلون خبر داد. فرستنده رادیویی کان گزارش داد که در ۱۱ ماه مه، گلوله باران غزه منجر به حادثه در خط لوله نفت ایلات - اشکلون در اسرائیل شد و تصاویر ویدئویی آتش‌سوزی بزرگی را که خط لوله و یکی از تأسیسات ذخیره نفت را فرا گرفته بود، در وب سایت خود منتشر کرد. بر این اساس، «پاکسازی» کنونی غزه، در مجاورت تقریباً کل مسیر خط لوله نفت، پیش از همه با تأمین «آرامش» منطقه ترانزیتی از طریق اخراج عمده عنصر غیرقابل اعتماد ارتباط دارد.

علاقه‌مندی تل ابیب به ترانزیت منابع انرژی در رابطه با لبنان نیز مشهود است. در اینجا لازم است تمایل دیرینه تل ابیب برای در اختیار گرفتن خطوط لوله انتقال نفت از عربستان سعودی و عراق به ترتیب به بنادر صیدا و طرابلس را نیز یادآوری کنیم (به خصوص این که خط لوله به صیدا و همینطور خود این بندر و پالایشگاه نفت آن در نزدیکی مرز لبنان و اسرائیل واقع است).

به گفته منابع اسرائیلی، در شب ۱۹ جون سال جاری، فرماندهی ارتش اسرائیل طرح عملیات زمینی در لبنان علیه سازمان نظامی-سیاسی شیعی حزب‌الله لبنان را تأیید کرد و از ادامه افزایش آمادگی رزمی نیروهای گروه شمال خبر داد.

در آستانه تصویب این طرح، یسرائیل کاتز، وزیر امور خارجه نیز نسبت به تصمیم برای «شروع یک جنگ تمام عیار» علیه حزب‌الله در آینده نزدیک، علی‌رغم فشارهای فزاینده از سوی کاخ سفید، هشدار داد. بر اساس برنامه‌ریزی طراحان ارتش اسرائیل، باید جناح نظامی شیعیان لبنان در یک جنگ همه‌جانبه از بین برود و خود لبنان آسیب جدی ببیند. وزیر اسرائیل در صفحه خود در X نوشت: «اسرائیل باید بهای جبهه و پشت جبهه را بپردازد، اما ما با استفاده از تمام قدرت ارتش امنیت ساکنان شمال خود را باز می‌گردانیم».

شمال اسرائیل به منطقه وسیع الجلیل (با مساحت بیش از ۲۱ هزار کیلومتر مربع) اطلاق می‌شود که از سوی سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ به عنوان بخشی از کشور عربی در فلسطین شناخته شد. اما، این منطقه با اخراج تقریباً ۸۰ درصد از جمعیت عرب محلی در عرض چند سال، در اواسط سال ۱۹۴۹ اشغال شد. به نظر می‌رسد که این اولین گام در یک برنامه بلندمدت برای تصاحب خطوط لوله ترانزیتی در لبنان و به ویژه، در بخش جنوبی آن بود.

همانطور که معلوم است، انگلیس‌ها در دهه ۱۹۳۰، یک خط لوله نفتی از کردستان عراق از طریق سوریه و ماوراء اردن (به ترتیب تحت‌الحمایه فرانسه در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۴۳ و تحت‌الحمایه انگلیس در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۴۶) به بندر حيفا در اسرائیل احداث کردند. در دوره رویارویی اعراب و اسرائیل، یعنی از اواخر دهه ۱۹۴۰، این شریان به صورت متناوب و با حداکثر یک چهارم ظرفیت خود کار می‌کرد. اما امروز اطلاعاتی مبنی بر این در دست است که چندین سال است نفت «گرد» به حيفا، هرچند به طور نامنظم، نه تنها برای فرآوری در پالایشگاه محلی، بلکه برای صادرات جریان دارد...

و نیز مهم این است که نفت آذربایجان و قزاقستان از طریق ترکیه بی‌وقفه به اسرائیل می‌رسد و بر اساس برآوردهای موجود تا ۴۰ درصد از نیازهای آن را تأمین می‌کند. همین مواد خام تا حدودی از طریق بندر جیهان به کشورهای دیگر صادر می‌شود. به طوری که از طریق آب به اشکلون و سپس به صورت معکوس در امتداد همان خط لوله اشکلون - ایلات صادر می‌شود. درخواست بخش بزرگی از جامعه ترکیه برای توقف کمک به رژیم صهیونیستی با گسترش تحریم‌های ضد اسرائیلی اعلام شده توسط دولت اردوغان به ترانزیت نفت، اخیراً به اعتراضات و حملات پر سر و صدا به دفتر شرکت نفت آذربایجان- «سوکار» در استانبول منجر شد.

آیا ترکیه می‌تواند انتقال نفت به اسرائیل را متوقف کند؟ از نظر تئوری، بله. اما با هزینه بسیار گزاف. به گفته نامیک تان، یکی از نمایندگان حزب اپوزیسیون جمهوری خلق، سفیر سابق ترکیه در امریکا و اسرائیل، «این امر چه از منظر سیاسی و چه از نظر قراردادی غیرممکن است». محمد اوگوتوچو، دبیرمات بازنشسته ترکیه و رئیس باشگاه انرژی بسفر مستقر در لندن، تقریباً همین نظر را دارد: «بستن خط لوله باکو - تفلیس - جیهان نه تنها به منافع تجاری ما آسیب می‌رساند، بلکه روابط با آذربایجان را نیز تضعیف می‌کند».

ماده ۵ معاهده منعقد در ۱۷ اکتوبر ۲۰۰۰ بین دولت آذربایجان، سوکار و هفت شرکت نفتی (شامل بریتیش پترولیوم و شرکت نفت دولتی ترکیه- ترکیش پترولیوم) هر یک از طرفین قرارداد را از «ممانعت از آزادی ترانزیت» نفت از طریق این کشور منع می‌کند. مناطقی که خط لوله از آن عبور می‌کند، در معرض خطر رسیدگی‌های قانونی قرار می‌گیرد. بنابراین، اگر ترکیه این توافق را نقض کند، باکو می‌تواند از نظر تئوری علیه آن در یک دادگاه بین‌المللی دآوری، تقریباً به همان روش بغداد اقامه دعوی کند. لازم به ذکر است که بغداد در اعتراض به آن که انقره به دولت اقلیم کردستان در اربیل اجازه می‌دهد تا نفت تولید شده در منطقه شمال عراق را از طریق خط لوله مخصوص احداث شده به جیهان نقل کند و بخش اعظم آن را به اسرائیل بفروشد، به دادگاه بین‌المللی دآوری شکایت کرد. در مارچ ۲۰۲۳، هنگامی که اتاق بازرگانی بین‌المللی مستقر در پاریس، دولت ترکیه را به دلیل شکایت بغداد یک و نیم میلیارد دلر جریمه کرد، ترانزیت موقتاً متوقف شد.

روابط ستراتیژیک نزدیک بین اسرائیل و آذربایجان و همچنین تماس‌های پشت پرده بیت‌المقدس غربی با برخی از پایتخت‌های سلاطین نفت خلیج فارس به خوبی روشن است. همانطور که نشریه ما [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک] پیشتر اشاره کرد، همکاری عمل‌گرایانه انرژی در قالب‌های مختلف، حداقل به اندازه همان بیانیه‌های با انگیزه ایدئولوژیک، مذهبی یا سیاسی داخلی رهبران خاص در دفاع از «آرمان فلسطین»، یک عامل مهم در سیاست منطقه است.

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۷ تیر - سرطان ۱۴۰۳